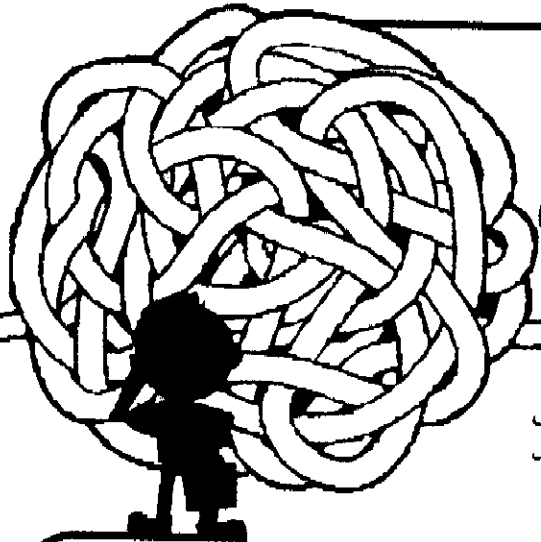


نظم در خانواده

ضرورت و اهمیت

دکتر محسن ایمانی
استادیار دانشگاه تربیت مدرس



و ضرورت منظم بودن، غلبه بی‌نظمی و پیامدهای ناشی از آن و نیز نحوه ایجاد نظم در فرزندان به بحث و بررسی می‌پردازیم.

«علی، علیه السلام»

اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم

مقدمه

از جمله مشکلاتی که در خانواده ممکن است ظهور و بروز داشته باشد، مشکل نظم و ترتیب افراطی یا بی‌توجهی به آن است. گاهی پدران و مادرانی که به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند، می‌پرسند: چرا دختر یا پسر من که سال‌های پایانی دبیرستان را می‌گذراند، همچنان بی‌نظم است؟ آیا نباید در این سال‌ها نظم و ترتیب را رعایت کند؟ فرد دیگری می‌گوید: همسرم را بی‌نظمی آشفته می‌کند و به عصبانیت وا می‌دارد. او بیش از اندازه به نظم توجه می‌کند. چرا او تا این حد بر نظم تأکید می‌کند؟ آیا او مبتلا به نظم و سواسی است؟ او با دیدن بی‌نظمی، هم خود برانگیخته می‌شود و هم دیگران را برمی‌انگیزاند، به راستی چه باید کرد؟ و گاه نیز سؤال می‌شود: پسر یا دختر نوجوان من، که به نظم عادت کرده بود، مدتی است دچار بی‌نظمی شده است، علت آن چیست؟ او با این که بزرگ‌تر شده و نسبت به گذشته درک بهتری پیدا کرده است، چرا در مورد نظم، برعکس عمل می‌کند؟ آیا او دچار مشکلی شده است؟

به طور قطع، یکی از اموری که ذهن والدین را در خانواده مشغول می‌سازد، بی‌نظمی فرزندان است. گاه والدین احساس نگرانی کرده، می‌پرسند: آیا فرزندم با ادامه دادن به این بی‌نظمی‌ها در آینده دچار مشکل خواهد شد؟ اگر نظم را یکی از عوامل موفقیت فرزندان بدانیم، در این صورت آیا بی‌نظمی مانع موفقیت نیست؟

همه پدران و مادران خواهان آن‌اند که فرزندان منظم تربیت کنند تا آن‌ها از آثار مثبت ناشی از نظم بهره‌مند شوند. در این مقاله، به منظور آشنایی هر چه بیشتر والدین گرامی بانظم، اهمیت

نظم چیست؟

وقتی که سخن از نظم و ترتیب به میان می‌آید، بلافاصله مفهوم نظم نیز به ذهن متبادر می‌شود. آل‌بیرو، در کتاب «فرهنگ علوم اجتماعی»، در تعریف نظم می‌نویسد: «مضمون نظم، اندیشه چیزهایی را که هر یک به جایی مطلوب نشسته‌اند و دقیقاً مرتب گشته‌اند، به ذهن متبادر می‌سازد. از این رو نظم در حد گروه‌های انسانی، به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است. زمانی در ارتش و مدرسه نظم برقرار می‌شود که اطاعت از مافوق صورت پذیرد.»

بدین ترتیب، نظام اجتماعی نیز زمانی سامان می‌یابد که مردم یک جامعه خود را ملزم به اطاعت از هنجارها و قوانین حاکم بر آن جامعه بدانند. لذا مفهوم نظم اجتماعی (Social Order) می‌تواند به طور مستقیم هماهنگی، تعادل و انسجام روابط اجتماعی را برساند که مجموع افراد جامعه را از طریق فعل و انفعال سازوکارهای اقتصادی و سیاسی به سوی زندگی مشترک جلب کند و میل گذران حیات در جمع را پدید آورد. پس نظم در زندگی فردی مهم است، اما اهمیت بیش‌تر آن در حیات اجتماعی ظاهر می‌گردد. پس باید متریبان را برای ایفای نقش در نظم بخشیدن به امور زندگی فردی و نیز انتظام فعالیت‌های جمعی و اجتماعی تربیت کرد.

اهمیت و ضرورت نظم در خانواده

امروزه اهمیت و ضرورت نظم در زندگی اجتماعی بیش از گذشته بر ما مشهود گشته است. اگر سوزن‌بان قطار در وقت

معین و مشخص وظایف خود را انجام ندهد، بیم برخورد قطارها می‌رود. اگر کسی که در برج مراقبت هوایی حضور دارد، به موقع و براساس نظم، هماهنگی‌های لازم را به عمل نیاورد، امکان آسیب رسیدن به هواپیما و سرنشینان آن وجود دارد و اگر اتومبیل‌ها، به هنگام عبور از چهارراه، به‌موقع و براساس نظم و ترتیب حرکت نکنند، احتمال تصادف آن‌ها پدید می‌آید و مسافران نیز ممکن است دچار صدمه و آسیب شوند. حال باید پرسید که چه کسانی می‌توانند این ظرافت‌ها را در رفتارهای منظم رعایت کنند؟ در پاسخ باید گفت که قطعاً کسانی از عهده این امور برمی‌آیند که ابتدا در خانواده‌های منظم تربیت شده و سپس اهمیت بیش‌تر نظم را در مدرسه آموخته باشند.

خانواده، یک نظام اجتماعی است

بر تالفی، در بیان تعریف سیستم می‌گوید: «سیستم مجموعه‌ای از اجزاست که به صورتی هماهنگ در جهت تحقق هدفی واحد به فعل و انفعال می‌پردازند.» پس اگر خانواده نیز یک سیستم است و در صورت هماهنگی و همکاری اعضای آن هدفی مشخص دنبال می‌شود، باید گفت که اگر یکی از اعضای آن بدون نظم و هماهنگی حرکت کند، این امر منجر به ناهماهنگی و ناکارآمدی در کل سیستم می‌شود. پس، خانواده وقتی موفق و پویاست و به اهداف خود دسترسی پیدا می‌کند که همه اعضای آن منظم و دقیق باشند. به عبارت دیگر، برای داشتن خانواده‌ای مطلوب و متعالی باید برای نظم و ترتیب اهمیتی ویژه قائل شد.

نظم در خانه نشانه چیست؟

دکتر کی‌نیا، در کتاب «مبانی جرم‌شناسی» خود سؤال فوق را مطرح می‌کند که ما اینک قصد پاسخ‌گویی به آن را داریم و می‌خواهیم بیان کنیم که نظم خانه نشانه توجه به موارد ذیل است:

۱- نظم بیرونی، نشانه نظم درونی و فکری است.

وقتی به امور منظم نظری می‌افکنیم، درمی‌یابیم که در ورای نظم، ناظمی وجود داشته است و تا نظمی در درون آدمی و در تفکر او پدید نیاید، امکان تحقق نظم در بیرون وجود نخواهد داشت. لذا گفته‌اند:

حال متکلم از کلامش پیداست

از کوزه همان تراود که در اوست

امان‌وئل کانت می‌گوید: کار ذهن، نظم بخشیدن به اطلاعاتی

است که حواس آن‌ها را در اختیار ذهن گذاشته‌اند. او هم‌چنین متذکر می‌شود که معلم نیز باید اطلاعات منظم را در اختیار شاگردان قرار دهد.

مراجعه به ذهن منظم کاری سهل‌تر و مانند مراجعه به یک کتابخانه منظم است که به راحتی می‌توانیم کتاب مورد نظر را در آن پیدا کنیم. اما ذهن در هم ریخته مانند کتابخانه‌ای است که همه کتاب‌های آن را بر روی هم ریخته‌اند و در این حالت با دشواری و دردسرهای فراوان می‌توان به کتاب مورد نظر دست یافت. پس می‌توان گفت که وجود نظم در خانه بیانگر آن است که فکری منظم از ذهن به عین منتقل شده و در اشیا و امور منزل تجلی یافته است. هم‌چنین، آن‌جا که خانه نظم و نسقی ندارد، حاکی از آن است که ذهنی مغشوش در ورای این بی‌نظمی حاکم است.

۲- نظم خانه، نشانه برنامه داشتن است.

آن‌ها که بی‌برنامه زیست می‌کنند، طبیعی است که خانهای بی‌نظم نیز داشته باشند. وجود برنامه و تنظیم آن، خودحکایت از نظم و پایبندی به آن دارد. وقتی به برنامه درسی فرزند خویش که مدرسه به وی ارائه کرده است نگاه می‌کنید، درمی‌یابید که این برنامه براساس ساعات مشخص و دروس معین تنظیم شده است و این امر بیانگر آن است که مدیر یا ناظم مدرسه این کار را انجام داده است. بدین ترتیب با نگاه به خانه منظم نیز به این امر پی می‌بریم که نظم در خانه، نشانه برنامه داشتن والدین، به ویژه والدی است که بیش‌تر در خانه حضور داشته، تنظیم امور خانه را از وظایف خود می‌داند. پس برای منظم بارآوردن فرزندان به آن‌ها بیاموزیم که از بدو ورود به مدرسه براساس برنامه‌ای منظم به فعالیت در درون خانه بپردازند.

۳- نظم، نشانه سلامت روان است.

وقتی که وارد خانهای منظم می‌شویم، یکی از پیام‌هایی که نظم موجود در خانه به ما می‌دهد، این است که ناظم این نظم فردی است که از بهداشت و سلامت روان برخوردار است، زیرا کسی که از سلامت روان برخوردار است انگیزه کافی و تلاش واقعی دارد تا به پا خیزد و به خانه نظم و سامانی ببخشد. اگر چه نظم افراطی نشانه وسواس است، اما غالباً وجود نظم در خانه، بیانگر سلامت روانی است. افراد سالم، از ذهنی آرام و منظم برخوردارند و عکس‌العمل آن‌ها متناسب با اعمال دیگران است. آن‌ها در زمان حال زندگی می‌کنند و مقتضیات زمان را در می‌یابند و براساس

آن چه ندارد عوض ای هوشیار
عمر عزیز است، غنیمت شمار

حافظ، نیز می‌فرماید:

بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین

کین اشارت ز جهان گذرا ما را بس

بس، هر لحظه از عمر که سپری می‌گردد، آدمی به پایان

حیات خویش نزدیک‌تر می‌شود، به قول سعدی:

هر دم از عمر می‌رود نفسی

چون نگه می‌کنم نمائنده بسی

اغلب صاحب‌نظران، ادبا، فیلسوفان و دانشمندانی که سخن از زمان و عمر به میان آورده‌اند، بر گرامی و ارزشمند بودن آن تأکید داشته‌اند و مقدم بر همه آن‌ها، این امر در ادیان الهی مطرح بوده و بر این نکته تأکید شده است که آدمی در زمان محدود عمر باید توشه آخرت را بر گیرد. پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «الدنيا مزرعة الاخرة». یعنی دنیا مزرعه آخرت است. شاعر می‌فرماید:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

آری، فرصت‌های زندگی محدود و در گذر است و آدمی را نشاید که آن را به بطالت هدر دهد. لذا مدیریت زمان، که بهره‌وری مطلوب و مناسب از زمان است، امری حیاتی و لازم محسوب می‌شود. حال اگر پرسیده شود که بهره‌وری از زمان چگونه میسر می‌گردد، در پاسخ باید گفت که لازمه مدیریت زمان، رعایت نظم و ترتیب است. بدین ترتیب فرد می‌تواند در اسرع وقت، وظایف خود را با موفقیت به انجام برساند. جایگاه نظم تا آن حد مهم و در خور توجه است که مولی‌الموحدین، علی (ع)، بعد از رعایت تقوا، به نظم توصیه فرموده‌اند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان توصیه می‌کنم.

نرم‌ها و هنجارهای اجتماعی عمل می‌کنند، رفتارهای آنان نیز متناسب با سن و سالشان است، اما در افراد بیمار ممکن است هیچ یک از این نشانه‌ها وجود نداشته باشد. پس برای داشتن فرزندی منظم و دقیق، باید تمهیداتی اندیشید که سلامت و بهداشت روانی آن‌ها محقق گردد.

۴- نظم، نشانه هوشمندی است.

وقتی وارد خانه‌ای می‌شوید که وسایل آن با نظم خاصی چیده شده است، به خوبی در می‌یابید که به وجود آورنده این نظم فردی هوشمند و دقیق است. هوش (INTELLIGENCE) را بر ایند استعدادهای عالی ذهن تعریف کرده‌اند و پیازه آن را ظرفیت سازگاری یا محیط می‌داند. نشانه سازگاری مطلوب با محیط خانه آن است که فرد بتواند آن را به گونه‌ای سامان دهد که دسترسی به وسایل مورد نیاز سهولت یابد. بنابراین آن‌جا که هوشمندی کم‌تر است، بی‌نظمی و آشفتگی بیش‌تر ملاحظه می‌شود. به عبارت دیگر، وجود ناپهنجاری در والدین یا فرزندانشان مانع تحقق نظم در خانه می‌گردد.

۵- نظم، نشانه توجه به مدیریت زمان است.

مدیریت زمان، که خود یکی مهارت‌های زندگی است، بیانگر آن است که فرد با اقتصاد در زمان وقوف یافته است. علی‌السلام در وصف انسان‌های متقی می‌فرمایند: «آن‌ها انسان‌هایی مقتصد و میانه‌روند». در تعریف علم اقتصاد نیز گفته‌اند که آن بهره‌برداری بهینه از منابع محدود است. اگر به وقت و عمر آدمی بنگریم، درمی‌یابیم که عمر آدمی چندان بلند نیست، لذا گفته‌اند:

گفتمش نقاش را نقشی بکش از زندگی

یا قلم نقش حیایی بر لب دریا کشید

و علی علیه السلام فرموده‌اند: «فاغتنموا الفرصة بین العدمین». یعنی فرصت بین دو عدم را مغتنم بشمارید. منظور از دوعدم، گذشته و آینده است، زیرا گذشته که گذشته است و آینده نیز هنوز نیامده است. پس باید زمان حال را دریافت و مغتنم شمرد. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «فرصت‌ها چون ابرها زود گذرند». فرنگی‌ها نیز می‌گویند: «وقت طلاست». البته، عمر از طلا بالاتر است، چرا که اگر طلائی از دست برود، انسان می‌تواند با تلاش، دوباره آن را به دست آورد، اما وقتی که عمر آدمی سپری شود، دیگر هرگز قابل بازگشت نیست. لذا گفته‌اند:

